

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهبرد مشترک هند و ایران در قفقاز جنوبی

با تاکید بر توسعه کریدور شمال جنوب

امیررهام شجاعی^۱

سیدمهدی ولایتی^۲

چکیده

علی‌رغم تفاوت‌های مختلف ایران و هند، دو طرف در حوزه‌های ژئواکونومیک برخی منافع مشترک را برای خود تعریف نموده‌اند. بر همین اساس، این پژوهش به بررسی علل و عوامل شکل‌گیری راهبردهای مشترک ایران و هند در قفقاز جنوبی، به‌ویژه در زمینه توسعه کریدور شمال جنوب می‌پردازد. فرضیه اصلی مقاله این است که ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران و مزایای اقتصادی متقابل پروژه، زمینه‌ساز همکاری راهبردی میان تهران و دهلی‌نو شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که هرچند این همکاری پیشرفت‌هایی داشته، اما تداوم آن وابسته به تحولات نظام بین‌الملل و شرایط منطقه‌ای است. این پژوهش با روش تحلیلی-تبیینی و در چارچوب نظریه ژئواکونومی، از طریق بررسی منابع علمی و سایت‌های تخصصی، به تحلیل امکان‌پذیری و پویایی این همکاری می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

هند، سیاست خارجی، ایران، قفقاز جنوبی، کریدور شمال جنوب، ژئواکونومی، روابط دوجانبه.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

^۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان.

amir6776roham@gmail.com. جمهوری اسلامی ایران.

^۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

s.mehdi.velayati@gmail.com

مقدمه

در یک استدلال کلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تجدیدنظرطلب و مخالف نظم موجود در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و خروج از پیمان سنتو و شراکت راهبردی با آمریکا همواره با یک سیاست خارجی آرمان‌گرایانه در قطب آمریکاستیزی و غرب ستیزی شدیدی قرار گرفته است. هندوستان اما به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان همواره در یک موج سینوسی از روابط تجدیدنظرطلبی محدود تا همسو با نظم جهانی با آمریکا و غرب نوسان کرده که این روند کاملاً برعکس و مخالف روال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و هند حتی متحد غرب نیز به‌شمار می‌آید. با این حال، منافع مشترک موجب گردیده تا برخلاف روال کلی دو کشور در برخی جنبه‌ها از جمله در رابطه با منطقه قفقاز جنوبی و توسعه کریدور شمال جنوب و بحران قفقاز جنوبی به یک راهبرد و فهم مشترک برسند.

این پژوهش از آن جهت مهم است که بررسی می‌کند چگونه برخلاف این اختلافات در مبانی سیاست خارجی؛ دو کشور در مواردی به همکاری روی آورده و توسعه همکاری‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

با توجه به اینکه نقطه کلیدی عبور کریدور شمال جنوب از حیث تنوع بازیگران ذی‌نفع در قفقاز جنوبی است و در این منطقه حساس بازیگران داخلی و خارجی زیادی مشغول به ایفای نقش و پیگیری منافع خویش هستند، ابتدا شرحی کوتاه متناسب با نیاز پژوهش از منطقه ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک و ژئوکالچر قفقاز جنوبی و پیشینه و شرایط کریدور شمال جنوب داده می‌شود سپس در بخش‌های مختلف به طور جداگانه به بررسی اهداف و انگیزه‌های دو کشور پرداخته می‌شود و نقاط اشتراک و افتراق مؤثر بین ایران و هند بررسی می‌شود. در این پژوهش از دید نظریه ژئواکونومی با بررسی نقش مؤلفه‌های اصلی این نظریه به‌عنوان علل و انگیزه‌های تأثیرگذار بر دو کشور پرداخته و همچنین نقش منفی و مثبت سایر عوامل دیگر بر پیشبرد این موضوع را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیشینه پژوهش. به‌واسطه جستجو در میان منابع گوناگون، اثری که دقیقاً به دنبال بررسی روابط هند و ایران در قفقاز جنوبی و آن هم با تأکید بر کریدور شمال - جنوب باشد، یافت نشد. با این حال برخی آثار مرتبط در این حوزه وجود دارد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

بهات^۱ در مقاله‌ای با عنوان "روابط هند و ایران زیر سایه سیاست جهانی: مروری کوتاه بر تاریخ"^۲ با بهره‌گیری از مفاهیم و آموزه‌های نظریه رئالیسم ساختاری، درصدد تحلیل روابط ایران و هند در بستر تغییرات جهانی و سیاست بین‌الملل است. هدف نویسنده در این مقاله این است که نشان دهد باوجود علایق راهبردی مشترک و تاریخ طولانی همکاری، دو کشور به دلیل تأثیر ساختارهای بین‌المللی، تبدیل به شراکت راهبردی نشده‌اند. نویسنده همچنین تأکید می‌کند که اگرچه ایران و هند دارای پتانسیل‌های زیادی برای تبدیل روابطشان به شراکت راهبردی هستند (به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند انرژی، اقتصاد و ژئوپلیتیک)؛ بااین‌حال تحقق این مهم با مشکلات متعدد ساختاری مواجه است. نویسنده راه برون‌رفت از این چالش‌ها و موانع را در انتخاب مستقل سیاست خارجی، کاهش فشار تحریم‌ها و اعتماد دوطرفه جستجو می‌کند.

تیشه‌یار و نورافکن (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان "ایران و هند در جاده ابریشم: چالش‌ها و چشم‌اندازهای همکاری اقتصادی در طرح کمربند و جاده"^۳ با مرور روابط تاریخی هند و ایران و تأکید بر اینکه این روابط به‌واسطه تحولات بین‌المللی از حالت دوجانبه خارج شده، به چالش‌ها و فرصت‌های همکاری هند و ایران در طرح کمربند و جاده پرداخته‌اند. ایران و هند دو موضع کاملاً متفاوت در مورد این طرح اتخاذ کرده‌اند. درحالی‌که هند هنوز رسماً این پروژه را تهدیدی برای ثبات و امنیت خود می‌داند، ایران مشتاق است تا روابط خود را با چین گسترش دهد تا از انزوای اقتصادی خارج شود. در این مقاله، نویسندگان سعی می‌کنند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه ایران و هند می‌توانند با همکاری در پروژه‌های مرتبط با BRI، منافع اقتصادی خود را گسترش داده و دنبال کنند. در پاسخ، نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که توسعه همکاری‌های چندجانبه در بندر چابهار، همکاری در منطقه آزاد تجاری چابهار و کریدور ترانزیت بین‌المللی شمال - جنوب (INSTC) فرصت‌های عظیمی را برای همه طرف‌های درگیر فراهم می‌کند. بااین‌حال، شرایط همکاری نیز باید از طریق درنظرگرفتن هم‌زمان امنیت و توسعه، افزایش ادغام اقتصادی، تقویت مذاکرات چندجانبه، تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد سازوکارهای پرداخت غیردلاری بهبود یابد.

1. Bhat

2. India and Iran Relations under the Shadow of Global Politics: A Brief Historical Overview

3. Iran and India on the Silk Road: Challenges and Prospects of Economic Cooperation in Belt & Road Initiative

سلطانی‌نژاد (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "روابط ایران و هند: مشارکت استراتژیک تحقق نیافته"^۱، به بررسی روابط ایران و هند از منظر شراکت راهبردی پرداخته و استدلال می‌کند که برخلاف ظرفیت‌های گسترده برای همکاری، مجموعه روابط این دو کشور تاکنون نتوانسته به یک شراکت راهبردی پایدار و کامل تبدیل بشود. نویسنده با مرور تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی در روابط دو کشور، به شرح دلایل این ناکامی پرداخته و به مواردی از جمله وابستگی و تأثیرپذیری هند از آمریکا و رژیم صهیونیستی، تحریم‌های بین‌المللی که علیه تهران وجود داشته است و همچنین سیاست نگاه به شرق ایران که در تضاد با راهبردهای کلی هند است اشاره می‌کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، عمده این آثار و سایر آثار مشابه، روابط هند و ایران را نه در یک حوزه مشخص (مانند قفقاز جنوبی و در رابطه با کریدور شمال - جنوب)؛ بلکه در چارچوب مسائل کلان نظام بین‌الملل و آن هم در حوزه فرصت‌ها و چالش‌ها تحلیل می‌کنند. بر همین اساس، نوآوری این پژوهش را می‌توان در موضوع مورد تحلیل و همچنین رویکردهای نظری استفاده شده در نظر گرفت.

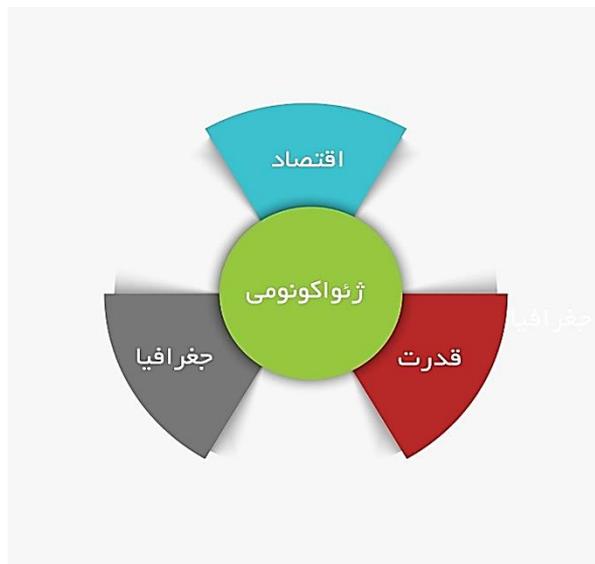
رهیافت نظری: ژئواکونومی و همکاری متقابل. جهان در یکی دو دهه بعد از پایان و

فروپاشی اتحاد شوروی یعنی در آخرین دهه از قرن بیست، سلسله تحولات بنیادی و بزرگی را در حوزه‌های علمی و شناختی و محافل علمی و سیاسی شاهد بود. یک مورد از تحولات جدیدی که در این دوره در عرصه روابط بین‌الملل و حوزه ژئوپلیتیک برای تحلیل مسائل استراتژیک و رقابت بازیگران موثر از آن بهره می‌برند که چهارچوب نظری و تحلیلی این پژوهش را هم در برمی‌گیرد، مفهوم ژئواکونومیک است. ادوارد ان. لوتواک در سال ۱۹۹۰، مفهوم ژئواکونومی را با تعریفی گسترده وارد حوزه روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با کلان تحلیل‌های حوزه سیاست بین‌الملل کرد. این اندیشمند نوید از فرا آمدن نظم جدید بین‌المللی در دهه پایانی قرن بیستم داد که در آن پارامترهای اقتصادی جایگزین اهداف ژئوپلیتیک، نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند. به نظر او علل درگیری‌های قرن بیست در قرن حاضر (۲۱) دیگر موضوعات قرن گذشته نمی‌باشد، بلکه افزون بر آنها در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی هم به چشم می‌خورد.

در واقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر قدرت، اقتصاد و جغرافیا شکل گرفته:

^۱. Iran-India Relations: The Unfulfilled Strategic Partnership

شکل ۱: عناصر ژئواکونومی



منبع: یافته‌های پژوهشگران

در یک تعریف جامع از این واژه می‌توان گفت که ژئواکونومی عبارت است از شناخت و بهره‌برداری مطلوب به‌فایده از پتانسیل‌های جغرافیایی قدرت با ماهیت و ریشه‌های اقتصادی جهت نیل به راهبردها و اهداف اقتصادی در روابط ملی، منطقه‌ای و جهانی (جان پرور، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۵). در حقیقت ژئواکونومی را می‌توان در چارچوب استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی تعریف نمود، به‌گونه‌ای که در این رویکرد، اقتصاد به‌عنوان یک ابزار قدرت در رقابت‌های سیاسی و امنیتی بین کشورها دیده می‌شود.

مؤلفه‌های ژئواکونومیک: از بین تمام مؤلفه‌های مهم مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های زیر باتوجه‌به موضوع این پژوهش دارای اولویت بوده و تأثیر آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند. - مؤلفه‌های ژئواکونومیک اولیه (مستقیم): از جمله مؤلفه‌های مستقیم ژئواکونومی می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله: منابع معدنی، منابع مهم انرژی، سطح تولیدات صنعتی، موقعیت ترانزیتی و بازرگانی، تفاهم‌نامه و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه اقتصادی، سطح توسعه تکنولوژی، نرخ واردات و صادرات، جمعیت یک کشور و GDP، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، دسترسی به آب‌های آزاد و وضعیت تجارت بین‌المللی، مسئله هم‌تکمیلی اقتصادی فی‌مابین، تعداد بندر بزرگ تجاری و توان بالفعل آنها و... (فاخر جعفر و دیگران، ۱۴۰۲: ۵).

- مؤلفه‌های ژئواکونومیک ثانویه (غیرمستقیم): از جمله مؤلفه‌های غیرمستقیم ژئواکونومی نیز می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره نمود از جمله: سیاست خارجی دولت‌ها، همگن بودن یا نبودن هر حکومت، زیرساخت‌های ارتباطی، ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، وزن ژئوپلیتیک کشورها؛ برداشت و نگرش دو کشور نسبت به یکدیگر و تعداد و کیفیت همسایگان (فاخر جعفر و دیگران، ۱۴۰۲: ۵).

برای بررسی و شناخت مناسب و دقیق تحولات و پدیده‌ها در روابط بین‌الملل، استفاده از یک مدل یا چهارچوب نظری مناسب برای تجزیه و تحلیل دقیق مسائل بسیار مهم است. اما به دلیل تکثر و تنوع رویکردها و مکاتب نظری موجود پژوهشگر باید با جست‌وجویی کامل به انتخابی برسد که او را در زمینه بررسی مسئله پژوهش بهتر کمک کند. از همین رو طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده مشخص گردید که بهره‌گیری از رهیافت «ژئواکونومی» و تبیین مؤلفه‌های آن و نقش آن‌ها در همکاری و یا تعارض در سیاست خارجی کشورها، کمک شایان و مناسبی برای بررسی این پژوهش ارائه می‌دهد. این مسئله به‌ویژه به این دلیل حائز اهمیت است که در تبیین روابط ایران و هند به‌ویژه در مواردی از جمله ترانزیت کالاها و کریدورها، بهره‌گیری از مفاهیم این رویکرد مفید به نظر می‌رسد.

۱. قفقاز جنوبی: ویژگی‌ها، چالش‌ها و بازیگران اصلی

قفقاز منطقه‌ای است کوهستانی با مساحت حدود ۴۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع که از سمت شمال به فدراسیون روسیه، از جنوب به جمهوری اسلامی ایران و از جنوب غربی با ترکیه و از جناح شرقی به دریای خزر و از شمال غرب به دریای سیاه و اروپا متصل است. قفقاز توسط رشته‌کوه‌های معروف قفقاز بزرگ (آب‌پخشان) به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود و جمعیتی نزدیک به ۳۰ میلیون نفر دارد (ابراهیمی کیاپی و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

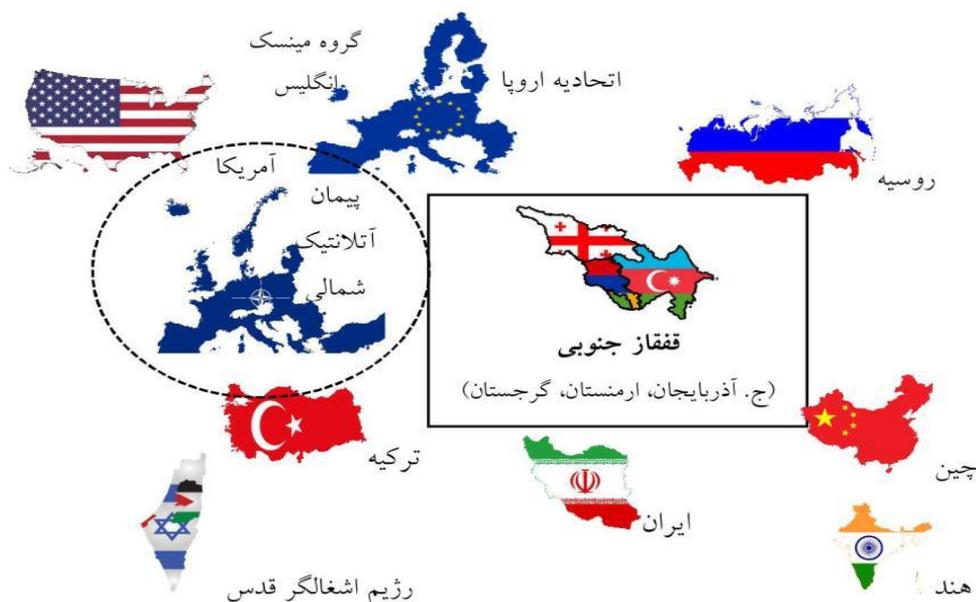
از نقطه‌نظر ژئوکالچر، قفقاز بین دو تمدن بزرگ اسلامی و مسیحی و سه فرهنگ ایرانی، ترکی و روسی قرار دارد. این منطقه شامل بیش از پنجاه گروه زبانی، قومی است که از نظر دینی عمدتاً مسلمان یا مسیحی هستند. ساموئل هانتینگتون در کتاب برخورد تمدن‌ها این منطقه را روی خط برخورد تمدن‌ها به شمار آورده است (Huntington, 2011) که این مهم خود بیانگر حساسیت ژئواستراتژیک این منطقه است.

قفقاز جنوبی دارای بسیاری از مؤلفه‌های ژئواکونومی مانند: منابع معدنی، منابع مهم انرژی، موقعیت ترانزیتی و بازرگانی، دسترسی به آب‌های آزاد و اصل هم تکمیلی اقتصادی

است که همین پتانسیل‌ها باعث اهمیت این منطقه کوچک شده است. این مؤلفه‌های مهم نقش منطقه قفقاز را در ایجاد و توسعه این کریدور حتی کریدورهای مشابه برجسته کرده است. قفقاز با دارا بودن این مؤلفه‌ها می‌تواند هم‌زمان پل ارتباطی بین غرب، شرق، شمال، جنوب، آسیای مرکزی، اروپا، روسیه، چین، هند و ایران باشد.

با در نظر گرفتن مؤلفه‌های گوناگون سه کشور قفقاز جنوبی (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان)، در تأمین اهداف و ثبات و امنیت خود توانایی نسبتاً محدودی دارند. در نتیجه، راهبرد اتحاد با قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای برای آن‌ها گزینه‌ای مناسب بوده و آن‌ها عمدتاً از همین طریق به دنبال نیل به اهداف و تأمین امنیت خود بوده‌اند. از سوی دیگر، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و دارا بودن منابع غنی انرژی این منطقه، انگیزه‌های لازم را به منظور نفوذ قدرت‌های خارجی دیگر در این منطقه فراهم کرده است که همین موضوع مهم نیز باعث شکل‌گیری یک‌چند ضلعی پیچیده و استراتژیک در این منطقه شده که بازیگران مختلف داخلی و خارجی مانند سه کشور قفقاز جنوبی به‌علاوه ایالات متحده، ایران، ترکیه، روسیه، اتحادیه اروپا و رژیم صهیونیستی ضلع‌های پرنقش و اصلی آن را تشکیل می‌دهند (Demiroglu, ۲۰۱۵: ۲۵-۲۶).

شکل ۲: بازیگران موثر در قفقاز جنوبی



به نسبت ایران، روابط کشورهای روسیه و ترکیه با سه کشور منطقه قفقاز جنوبی به شدت تحت تأثیر موضوع‌های سیاسی و امنیتی بوده است. ترکیه علاوه بر قطع رابطه با ایروان مرزهای خودش را هم به روی ارمنستان بسته بود. روابط بین مسکو و تفلیس نیز بر سر مناطق جدایی طلب گرجستان همواره پر فراز و نشیب بوده است، این در حالی است که ایران تنها همسایه این منطقه است که در هر سه کشور این منطقه سفارتخانه دارد و این موضوع نسبتاً امکانات و شرایط بهره‌برداری ژئواکونومی بیشتری به ایران می‌دهد (فلاحی و امیدی، ۱۳۹۷: ۴۲۵). اما برای هرگونه بهره‌برداری احتمالی نمی‌توان در نظر نگرفت که ترکیه و روسیه از مهم‌ترین بازیگران خارجی این منطقه هستند که در هر موضوعی در خصوص این منطقه نقششان غیر قابل چشم‌پوشی است.

نفوذ کامل و همه‌جانبه ترکیه در جمهوری آذربایجان به صورت بالقوه می‌تواند به تشکیل یک اتحاد قوی کمک کند که آینده نامشخصی به آسیای مرکزی هم تسری پیدا کند و نهایتاً منجر به شکل‌گیری یک مجموعه سیاسی ژئوپلیتیکی بزرگ تحت حاکمیت ترکیه شود (۲۰۰۱ LACHERT). این بلوک فرضی ترکی که تا آسیای مرکزی امتداد خواهد داشت خود از موارد بسیار حساسیت‌برانگیز برای سایر بازیگران مانند روسیه و بعد ایران و حتی آمریکا و غرب است.

ترکیه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران قفقاز نیز در هماهنگی با ایالات متحده آمریکا بوده اگرچه با تدوین راهبرد جدید حزب عدالت و توسعه، کمی مستقلانه‌تر عمل می‌کند. افزون بر این دولت ترکیه در راهبرد جدید تلاش می‌کند که تعامل و همکاری‌اش با جمهوری اسلامی ایران را افزایش بدهد. البته این به‌راحتی هم میسر نیست؛ زیرا به‌عنوان یک علت بیرونی فشارها و موانعی که از سوی غرب در باب تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و به‌عنوان یک علت داخلی همواره به‌گونه‌ای رقابت و تقابل تاریخی و سنتی بین دو این دو کشور به‌عنوان دو قدرت تاریخی در این منطقه وجود داشته که باعث شده‌اند در قفقاز همکاری نسبتاً کمتری را بین ایران و ترکیه شاهد باشیم (Aras, ۲۰۰۱). ترکیه همچنین به دنبال ایفای نقش مؤثر در معادلات انرژی این منطقه بوده و بدون مشارکت ایران در طرح‌های انتقال انرژی نفوذ منطقه‌ای آنکارا در مقایسه با تهران به‌ویژه در ابعاد اقتصادی افزایش خواهد یافت (فلاحی و وثوقی، ۱۳۹۹: ۶۱). مطلب مهم در باب ایفای نقش ترکیه در این منطقه و نسبت به کریدور شمال جنوب این است که ترکیه مخالف و رقیب این موضوع می‌باشد و تأثیرش بر روند این موضوع منفی و کارشکنانه می‌باشد زیرا همانطور که گفته شد ترکیه منافعی مبتنی بر مولفه‌هایی مذکور ندارد و حتی با این تغییرات سهم

قبلی‌اش از این مولفه‌ها کمتر هم می‌شود. ترکیه به دنبال توسعه کریدور ترکی زنگزور (سیونیک) در این منطقه می‌باشد که به صورت افقی راه شمال جنوب را قطع کرده و از اصلی‌ترین رقیب‌های این طرح به‌شمار می‌رود.

در مجموع آنچه که مهم به نظر می‌رسد توجه به این نکته است که ترکیه و ایران به خوبی یاد گرفته‌اند که هم در سایر نقاط و هم در این منطقه رقابت و کشمکش‌های بین خود در موضوعات مورد اختلاف را برای گسترش نفوذ و ضریب تأثیر توأم با یک همکاری موضوعی در اهداف و منافع مشترک ادامه دهند (عطایی و همکاران، ۱۳۹۱). این مسئله در حقیقت، به نوعی مدیریت تنش در تنش می‌باشد که در عین رقابت بر سر اختلاف‌ها همکاری بر سر منافع و مواضع مشترک نیز انجام می‌گیرد و سطح همکاری‌های دو کشور همواره در سطح قابل قبولی بوده است، با این حال در ادامه روند تحولات و به ویژه بعد از سقوط بشار اسد در سوریه با نقشی که ترکیه ایفا کرده بود احتمال تغییر در تحولات قفقاز جنوبی به ویژه در روابط بین ایران و روسیه با ترکیه زیادتر شده است که به نظر می‌رسد جنس این تغییرات منفی و مبتنی بر انشقاق و واگرایی بیشتر می‌باشد.

در خصوص روسیه نیز به‌اختصار شایان ذکر است که اهداف مهم و اصلی فدراسیون روسیه از زمان روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، حفظ و حراست از حوزه نفوذ روس‌ها در این حیات خلوت بخش جنوبی، ایجاد مانع برای حضور اتحادیه اروپا، جلوگیری از گسترش ناتو در این منطقه به منظور پیشگیری از چالش‌های امنیتی و اطمینان از دسترسی روسیه به آب‌های آزاد از مسیر جنوبی است (تنگنای ژئوپلیتیکی جغرافیای روسیه و جلوگیری از خفگی ژئوپلیتیکی) (reedman, ۲۰۰۸). در راستای پیگیری اهداف ذکر شده روس‌ها ثابت‌قدم و مصمم ظاهر شده‌اند. برای مثال واکنش سخت و خشن روسیه در روبرویی خود با گرجستان در سال ۲۰۰۸ که توانست نفوذ تهاجمی غرب را به عقب براند. دمیتری مدودوف در سال ۲۰۱۱ درباره بحران گرجستان این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که اگر جنگ علیه گرجستان اتفاق نمی‌افتاد، چندین کشور به عضویت ناتو درمی‌آمدند (نوری، ۱۴۰۲: ۱۹). اما این موارد تأثیری منفی بر توسعه کریدور شمال به جنوب ندارد؛ زیرا روسیه خود از ذی‌نفعان اصلی این پروژه است.

۲. مشخصات کریدور شمال به جنوب

در طول دهه ۱۹۹۰ و بعد از رشته رایزنی‌های دو جانبه و چندجانبه در خصوص اتصال هند از طریق ایران به آسیای مرکزی در سپتامبر ۲۰۰۰ طرح سه جانبه‌ای بین ایران، هند و روسیه برای توسعه کریدوری و تسهیل حمل و نقل تجاری جدیدی جهت اتصال هند از

بندر عباس ایران تا خزر و قفقاز به روسیه و اروپای شمالی تحت عنوان اینستک (INSTC) به امضا رسید که بعدها اعضای جدیدی هم به آن پیوستند. طرح سیزده ماده‌ای مذکور در ادامه ۹ عضو جدید: قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، اوکراین، بلاروس، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و عمان را نیز پذیرفت و دو کشور سوریه و بلغارستان نیز به عنوان عضو ناظر به آن پیوستند. همچنین در ادامه میانمار و تایلند نیز از طریق کشور هند به این طرح پیوستند. این طرح از ۲۰۰۲ به اجرا در آمد و در ۲۰۰۷ طی نشست‌هایی بررسی و ارزیابی شد. در نشست دهلی نو در ژانویه ۲۰۱۲ ایران طرح‌هایی مبنی بر گسترش ساختارهای اینستک ارائه کرد که مورد قبول قرار گرفت. طرح‌هایی مانند توسعه اتوبان ترانزیتی مسکو - بندر عباس و تشکیل کارگروه سه جانبه ایران، روسیه و هند با کمک‌های ترکیه جهت تسهیل تجارت و گمرکات و... و همچنین در طی این نشست تصمیم به افتتاح دفتر اقتدار اجرایی مرکزی کریدور در تهران نیز گرفته شد (نیاکویی و بهرامی، ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۳۷).

این مسیر جدید خشکی به اروپا با طول حدوداً ۹۵۰۰ کیلومتری در مقایسه با مسیر سنتی دریایی با طول حدود ۱۶۰۰۰ کیلومتری از حیث طول مسیر و مسافت چهل درصد کوتاه‌تر و از حیث هزینه حمل و نقل تا سی درصد ارزان‌تر و بهینه‌تر می‌باشد که همین مهم یک قابلیت رقابتی فوق‌العاده دائمی و غیرقابل چشم‌پوشی مبتنی بر مولفه‌های ژئواکونومی به آن بخشیده است. این مسیر به دلیل جغرافیای منحصربه‌فرد ایران برای اتصال هند به روسیه و اروپای شمالی قابلیت بالقوه‌ای برای ترسیم حداقل شش مسیر موازی دیگر نیز دارد. به‌گونه‌ای که از مبدا هند و جنوب ایران در ساحل خلیج فارس و دریای عمان می‌توان در حداقل شش مسیر متفاوت موازی از ترکیه و دریای سیاه تا آسیای مرکزی و ترکمنستان به مقصد روسیه و اروپای شمالی در رفرنس‌ها آورده شود، دست یافت (کولایی و امامی ایوکی ۱۴۰۰) به‌گونه‌ای که همچنان در مقایسه با مسیر دریایی سنتی مقرون به‌صرفه باشند که مرکز و نقطه ثقل این عرض جغرافیایی منطقه قفقاز جنوبی است.

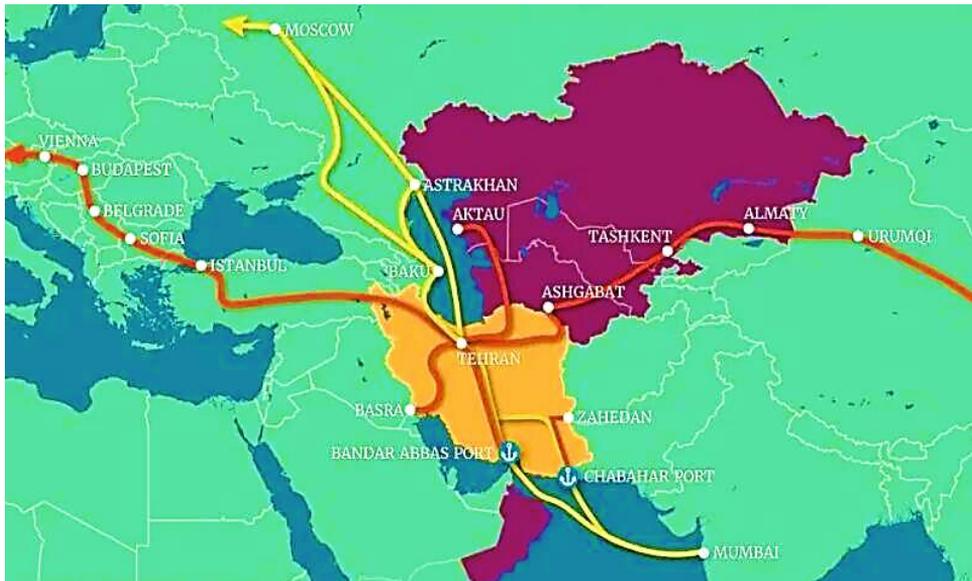
بیش از ۲ دهه از عمر موافقت‌نامه سه‌جانبه گذرگاه بین‌المللی شمال - جنوب می‌گذرد و همچنان به‌عنوان یکی از پروژه‌های کلیدی مدنظر کشورهای عضو مطرح می‌گردد، با این حال در عمل هم به لحاظ زیرساختی و هم به لحاظ عملیاتی با دشواری‌ها و موانع بسیاری روبه‌رو بوده است. محدودیت زیرساخت‌های ایران، بوروکراسی کند هند، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و اخیراً روسیه، مشکلات امنیتی در قفقاز و حجم محدود تجارت کالا میان اعضا از مهم‌ترین مشکلات موجود هستند. به لحاظ عملیاتی، آخرین تحولات در حوزه تکمیل و توسعه مسیر گذرگاه، موافقت‌نامه ایران - روسیه برای تکمیل آخرین بخش ناتمام از مسیر ریلی در خاک ایران

راهبرد مشترک هند و ایران در قفقاز جنوبی با تأکید بر توسعه کریدور شمال جنوب □ ۱۸۳

است. در این راستا، توافق‌نامه احداث خط‌آهن رشت - آستارا، به طول ۱۶۴ کیلومتر در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ میان ایران و روسیه به امضا رسید. بنا بر اعلام خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، مطابق این توافق‌نامه، روسیه برای تکمیل خط‌آهن گذرگاه شمال - جنوب ۱.۶ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری خواهد کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، ۱۴۰۲).

جغرافیای منحصربه‌فرد ایران به‌گونه‌ای است که می‌تواند به‌عنوان پل واسط و حلقه اتصال بسیاری از مناطق مهم جهان ایفای نقش کند. همین موضوع یکی از موارد مهمی است که باعث شده علی‌رغم برخی موانع مهم، هند به برقراری روابط خوب و منفعت بخش با ایران توجهی ویژه داشته باشد. در محاسبات هزینه و فایده با رویکرد ژئواکونومیک به‌ویژه در بلندمدت صرف‌نظر از رژیم حاکم بر یک جغرافیا، خود آن کشور مورد توجه است؛ بنابراین جغرافیای کشور ایران نیز فارغ از مسائل حاکمیتی و نظام سیاسی، قابل تفکیک است. طوری که گاهی اوقات علی‌رغم غیرهم‌سویی یک رژیم ولی به دلیل ارزش جغرافیایی آن کشور همگرایی‌هایی نیز شکل می‌گیرد. پس در رابطه با ایران این نکته وجود دارد که جغرافیای آن ارزش بلندمدت و همیشگی برای غرب و حتی شرق دارد.

شکل ۳: جغرافیای ایران در مرکز کریدور شرق به غرب و شمال به جنوب (چهار راه تجارت جهانی)



منبع: مهدی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۴۳

پتانسیل‌های جغرافیایی ایران به‌گونه‌ای است که نه‌تنها امکان اتصال سایر نقاط از خاک ایران به هم وجود دارد؛ بلکه حتی در خصوص کریدور شمال جنوب نیز می‌تواند از مبدأ هند به مقصد مسکو و اروپای شمالی انواع راه‌های موازی با مسیر دریای کاسپین یا قفقاز را نیز هدایت کند. مطابق آنچه که شرح داده شد، می‌توان عناصر مختلف ژئواکونومیک مربوط به این پروژه را در منافع و سیاست خارجی هر دو کشور ایران و هند مشاهده نمود.

شکل ۴: تنوع در مسیرهای کریدور شمال جنوب



منبع: کولایی و امامی‌ایوکی، ۱۴۰۲: ۲۹۳

۲. راهبردهای کلی جمهوری اسلامی ایران در قبال قفقاز جنوبی

قفقاز از جنبه امنیتی خط حائل بین ایران و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود. بر این اساس هرگونه ناامنی در آن تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر ایجاد تهدید علیه ایران دارد؛ بنابراین دستیابی به امنیتی پایدار و ثبات در قفقاز یک هدف استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را در منطقه قفقاز بر اصول حسن هم‌جواری، تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها استوار نموده و خواستار قفقازی صلح‌جو، باثبات و روبه‌توسعه است و اعتقاد دارد که صلح و ثبات قفقاز نقشی مثبت در رشد و ترقی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۹۰).

رویکرد دستگاه سیاست خارجی ایران در قبال قفقاز جنوبی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های جدید از همان ابتدا عمل‌گرایانه بوده و تحت‌تأثیر واقعیات موجود، سیاست‌های عملی، تجربه‌های تاریخی منطقه و محاسبه سود و زیان و موازنه قدرت شکل گرفته است؛ بنابراین ایران اگرچه ممکن است در کل و سایر نقاط آرزوهای مذهبی داشته باشد و آرمان‌گرایانه عمل کند؛ اما درعین حال می‌تواند محدودیت‌های حاکم بر خود و چالش‌های بیرونی و داخلی را در خصوص این منطقه بشناسد. بر همین اساس سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی به نسبت محتاطانه‌تر و متعادل‌تر بوده است. برقراری ثبات و امنیت در منطقه قفقاز برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد و نسبت به سایر گرایش‌های ایدئولوژیک موجود در دستگاه سیاست خارجی‌اش درباره قفقاز جنوبی در اولویت قرار دارد. ایران به سبب تمدن کهنی که دارد، موزاییکی از اقوام و زبان‌های مختلف مانند آذری، کرد، بلوچ و مسیحی و مسلمان و... است؛ اما در کنار آن تاریخ طولانی دولت ایرانی حاکم بر این جغرافیا و همگرایی ملت ایران به‌ویژه بعد از فرایند دولت‌سازی دوره اول پهلوی و شکل‌گیری دولت مدرن ایران از دولت ملت مستحکمی برخوردار است. ولی با این وجود، از جانب احتیاط باز هم در مورد تحرکات تجزیه‌طلبانه و جدایی‌طلبانه که گاه از سوی گروه‌های خاص سیاسی و یا بازیگران خارجی برانگیخته می‌شود، بیمناک است و برای همین است که همواره بر حفظ تمامیت ارضی کشورها و حفظ خطوط مرزی در قفقاز جنوبی تأکید داشته و دارد (Paul, ۲۰۱۵: ۵۴).

به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های مهم برای ایران در قفقاز جنوبی بیشتر امنیت‌محور و ژئوپلیتیک هستند تا اقتصادمحور و ژئواکونومیک. ولی این مهم در خصوص کریدور شمال جنوب متفاوت است و در این مورد نقش مولفه‌های ژئواکونومیک در تصمیم‌گیری پررنگ‌تر می‌شود.

در مجموع، اهداف و مقاصد دارای اولویت ایران در منطقه قفقاز جنوبی شامل چهار دسته کلی زیر است: ۱. کاهش نفوذ قدرت‌های خارجی؛ مانند: ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا و رژیم صهیونیستی که فراتر از هر چیزی به گونه‌ای تهدید امنیتی حساب می‌شوند. تحقق این اهداف، دغدغه‌های امنیتی ایران را کاهش داده و برای افزایش همکاری‌ها با سه کشور قفقاز جنوبی به ایران فضای بیشتری می‌دهد؛ ۲. استمرار در خنثی کردن سایر تهدیدهای امنیتی احتمالی و بی‌ثباتی در منطقه قفقاز جنوبی که می‌تواند بر مرزهای شمالی ایران نیز تأثیر منفی بگذارد؛ ۳. جست‌وجوی جایگاهی بهتر از راه گسترش روابط همه‌جانبه با جمهوری‌های منطقه و؛ ۴. پیگیری تعیین رژیم حقوقی بهتری در دریای خزر متناسب با سهم منصفانه‌تر (تیشه‌یار و بهرامی، ۱۳۹۶: ۲۸).

ایران در بحث کریدور شمال - جنوب در حال کنش مثبت همسو با هند و روسیه و تا حدودی هم اروپاست، اما با بحث ناتوئیزه شدن قفقاز جنوبی، نگاه‌های امنیتی ایران مطرح می‌گردد و تضادهای ماهیتی آشکار می‌شود. این تضاد بین گفتمان سیاست خارجی غرب‌ستیزانه ایدئولوژیک و آرمان‌گرا از یک طرف، و سیاست خارجی عمل‌گرایانه در قفقاز جنوبی از سوی دیگر خود را نشان می‌دهد.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ شائبه صدور انقلاب و گرایش‌های ایدئولوژیک به سیاست منطقه‌ای ایران نسبت داده می‌شد (Hunter, 2010: 169)؛ بنابراین در آن زمان پنداری آرمان‌گرایانه در مورد سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی وجود داشت؛ اما پیشینه سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی بعد از سال ۱۹۹۱ نشان می‌داد که انگیزه‌های ژئوپلیتیکی و سیاست‌های واقع‌گرایانه مبنای عملکرد منطقه‌ای ایران بوده است؛ بنابراین بر اساس موضع‌گیری ایران در مهم‌ترین وقایع پیش‌آمده در قفقاز جنوبی می‌توان مدعی شد که گذر زمان مبنای واقع‌گرایانه سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی را تأیید کرده است. اگرچه مدل‌های رفتاری متنوعی برای سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی تصورپذیر است؛

اما در خصوص خطر گسترش ناتو و غرب در این منطقه ایران تنها نیست. روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۹۰ با توجه به درگیری‌های قومی و سرزمینی خود توان تأثیرگذاری در معادلات قفقاز جنوبی را نداشت اما روی کار آمدن پوتین از سال ۲۰۰۰ نقش آفرینی روسیه در قفقاز جنوبی افزایش یافت. نگرانی مسکو نیز از گسترش ناتو به شرق و تمایلاتی که گرجستان و آذربایجان در این زمینه نشان می‌دادند بر عطش حضور روسیه در منطقه افزود. در نتیجه به ایجاد همگرایی بیشتر بین روس‌ها با تهران در قفقاز نیز کمک

شد. ولی به صورت کلی روسیه این منطقه را حیات خلوت سنتی خود می‌داند و سخت بازیگر دیگری را به رسمیت می‌شناسد. با پیگیری‌های یک‌جانبه روسیه (بدون ایفای نقش ایران) در سال ۱۹۹۷ ارمنستان و روسیه قرارداد ۲۵ ساله‌ای مبنی بر در اختیار قرار دادن پایگاه نظامی به روسیه را امضا کردند که در سال ۲۰۱۰ اجاره این پایگاه تا سال ۲۰۴۴ تمدید شد (نوری، ۱۴۰۲: ۱۸).

۳. سیاست خارجی هند در قبال ایران، رویکردها و عوامل موثر

از لحاظ تاریخی روابط بین دو کشور ایران و هند از فراز و فرودهای متعددی برخوردار بوده با این در تاریخ معاصر و به عنوان دولت‌های مدرن اولین بار در ۱۹۴۷ و بعد از استقلال هند اولین علائم روابط دوستانه فی ما بین قابل ذکر است. در آن مقطع محمدرضا شاه پهلوی که خطر کمونیسم را جدی می‌دید در قالب شراکتی راهبردی با آمریکا با کشورهای عراق، پاکستان و بریتانیا وارد پیمان بغداد شد که این اقدام بازتابی منفی در نظر هندوستان داشت. هم به سبب اختلافات دیرینه‌ای که با پاکستان داشتند و هم اینکه در آن مقطع هند تازه استقلال یافته در ردیف کشورهای عدم تعهد قرار داشت. در ادامه نیز ایران اولین کشوری شد که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت. روزه‌های مثبتی در دوره مصدق به دلیل سیاست‌های ضد استعماری‌اش گشوده شد که آن هم خیلی گذرا بود. اما از حدود دهه ۱۹۷۰ و بهبود روابط محمدرضا پهلوی با شوروی به تبع آن روابط ایران و هند نیز بهبود پیدا کرد و حتی در راستای موازنه این روابط، شاه ایران از حمایت سنتو از پاکستان در جنگ کشمیر در ۱۹۷۱ ممانعت کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ فصل جدیدی در روابط دو کشور باز شد به گونه‌ای که برخلاف سیاست‌های ضد غربی و عدم تعهدگرایانه جدید ایران ولی باوجود نقش ایدئولوژی اسلامی در ساختار جدید ایران در راستای حمایت از مسلمانان در قضایای کشمیر در ردیف حامیان پاکستان قرار گرفت. در ادامه نیز با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی برای دو طرف نمایان گردید.

از طرفی فرصت همکاری‌های مشترک در حوزه منابع و تجارت و مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی و قفقاز تحت جمهوری‌های جدید و همکاری علیه طالبان در افغانستان شکل گرفت و از طرف دیگر هندوستان گرایش‌های بیشتری به غرب پیدا کرد. در ۱۹۹۱ ایران برای اولین بار کشمیر را بخشی از کشور هند خواند و در مجموع در کل دهه ۱۹۹۰ روابط دو کشور روبه‌بهبود و افزایش نهاد که رشد تجارت دو طرف در آن دهه و حتی در ادامه در دهه

بعدی کاملاً مشهود است. در دو سه دهه اخیر که حوزه زمانی اصلی پژوهش جاری نیز است می‌توان گفت اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل خارجی بر روابط دو کشور رابطه هر کدام از دو کشور هند و ایران با ایالات متحده آمریکا است که در هر بخشی و اتفاقی کاملاً ایفای نقش کرده است (نیاکویی و بهرامی، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۵) که به جهت اهمیت این دوره زمانی که پیش‌تر بیان شد و نقش آمریکای هژمون بعد از جهان دوقطبی در ادامه بیشتر به آن پرداخته می‌شود تا مسئله شفاف‌تر گردد.

با سرعت در روند جهانی‌شدن اقتصاد، جامعه بین‌المللی نیز به سمت یک نظام چندقطبی در حال حرکت است که کشور هندوستان در آن به‌عنوان یک قطب نوظهور از آسیای جنوبی با درک ضرورت و اهمیت تعامل در مناسبات سیاست خارجی و ادغام و حل‌شدن در روند جهانی‌شدن اقتصاد از یک سو و نیاز روزافزون آنها به تأمین انرژی و مواد اولیه، بازار مناسب برای صدور کالاها و خدماتشان در چارچوب یک سیاست راهبردی معقول ملی مبتنی بر اصولی از قبیل تنوع در منابع انرژی، توجه به پتانسیل‌های مفید و بکر آسیای مرکزی و قفقاز و مناطق بکر شرق دور روسیه؛ اروپا، افغانستان، دسترسی و پیوند با سرزمین‌های مذکور را در دستور کار خویش قرار داده است (پوراحمدی میبیدی و دیگران، ۱۳۹۶).

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اقتصاد سیاسی هند در محیط اطراف آن کشور، بر مبنای ترکیبی از سه راهبرد ستیز، رقابت، همکاری سه مسیر متفاوت را جهت دستیابی به اهداف اقتصادی در سیاست خارجی پیش روی دولت جدید هند نهاده است. هندوستان قبلی با یک دولت پیگیر جنبش عدم تعهد و آرمان‌گرا به تدریج جای خود را به یک دولت نئولیبرال مبتنی بر همگرایی و رقابت داده است. بعد از آن نیز با به دست گرفتن قدرت توسط یک دولت ملی‌گرای هندو و محافظه‌کار، به‌رغم شعارهای اولیه، سیاست خارجی هند در کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی به سطوح جدیدی از اتحاد و ائتلاف با آمریکا و از سوی دیگر با سردی بیشتر و گاهی اوقات ستیزه‌جویی با چین و پاکستان مواجه شده و در نهایت مانع از همکاری منطقه‌ای هند جهت نیل به اهداف و راهبردهای سیاست خارجی خویش در آسیای مرکزی شده است. دولت جدید هند از ۱۹۹۱ با درک پارادایم‌های جدید، هم‌سویی بیشتر با نظم نوین جهانی و ادغام در اقتصاد سیاسی جهانی را در دستور کار خویش قرار داد (پوراحمدی میبیدی و همکاران، ۱۳۹۶).

در این بین به این مسئله نیز باید اشاره نمود که ادغام رویکردها و راهبردهای موجود در سیاست خارجی هند در نظم جهانی لیبرال دموکراسی مدنظر غرب، منتج از ملی‌گرایی هندو

راهبرد مشترک هند و ایران در قفقاز جنوبی با تأکید بر توسعه کریدور شمال جنوب □ ۱۸۹

و منافع ملی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی هند است نه به دلیل بنیان‌های لیبرالی، بنابراین و در چارچوب این رویکرد عمل‌گرایانه امکان نزدیکی به ایران و پیگیری منافع ملی در رابطه‌ای دوطرفه نیز در منطق سیاست خارجی هند قابل تبیین است.

شکل ۶: سیر تحول سیاست خارجی هند در دولت‌های مختلف

محور الگوی تغییر سیاست خارجی دولت‌ها در هند



منبع: پورا احمدی میبیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰

برخی از مهم‌ترین راه‌حل‌های هند جهت وصول به اهدافش در آسیای مرکزی و قفقاز و ایران به عبارت زیر می‌باشند:

الف) انتظار کمک از آمریکا؛ سیاست خارجی هند با تأثیر از سطح روابط این کشور با آمریکا، دارای وابستگی نامتقارن به اقتصاد سیاسی ایالات متحده است. در این راستا، هندوستان بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جهت برقراری ارتباط مؤثر با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، بیشتر از دو دهه در انتظار دریافت کمک از آمریکا ماند، اما ثمری نداشت (MEA, ۲۰۱۷: ۱۳۲-۱۴۰). از دلایل مثالی این بی‌ثمری مواردی قابل‌ذکر است: تأسیس خط لوله انتقال گاز صلح میان ایران، پاکستان و هند به دلیل تحریم‌های ایران با فشار آمریکا کنار گذاشته شد و علاوه بر آن جهت موازنه ایران و روسیه طرح جایگزین موسوم به تاپی، یعنی خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان و هند مطرح گردید. یا لغو وام ۹۰۰ میلیون دلاری شرکت‌های هندی توسط آمریکا در دسامبر ۲۰۰۸ به بهانه ارتباط شرکت‌های هندی با ایران. یا فشارها بر شرکت هند اسار که در سال ۲۰۰۷ طی یک قرارداد ده میلیارد دلاری بنا بود یک پالایشگاه در بندرعباس تأسیس کند که منجر به خروج

آنها تا پایان ۲۰۰۷ از ایران شد (نیاکویی و بهرامی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۶) همچنین شایان ذکر است که مثال‌ها از این دست موارد متعدد و زیاد می‌باشد.

ب) طرح ایران - محور با چشم‌انداز مشارکت راهبردی ایران و هند توسط نخست‌وزیر هند آقای واجپائی و رئیس‌جمهور وقت ایران سید محمد خاتمی در سال ۲۰۰۳، مورد توافق قرار گرفت. اعلامیه دو طرف در دهلی‌نو، کم‌وکیف و بسترهای وصول هند و ایران با مشارکت راهبردی در قفقاز و آسیای مرکزی را ترسیم نمود (MEA, 2024: 22). دسترسی مستقیم هند از ایران به آسیای مرکزی، ترکمنستان، قفقاز، ترکیه، اروپا و روسیه از طریق کریدور بین‌المللی شمال به جنوب از یک سو و اتصال هند به افغانستان که به لحاظ راهبردی بهینه‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر دسترسی هندی‌ها به آسیای مرکزی است، کاملاً همسو با منافع ژئواکونومی و ژئواستراتژیک هند تلقی شده و در دستور کار هر دو طرف قرار گرفت.

ج) تنوع در مسیرهای دسترسی هند به آسیای مرکزی و قفقاز بعد از دو دهه تأخیر در عملیاتی شدن گزینه‌های یاد شده.

در مجموع عوامل زیر باعث گرایش هند به تنوع در مسیرهای دسترسی و اتخاذ ترکیبی از گزینه‌ها و مسیرهای دسترسی به قفقاز و توسعه ارتباط با ایران شده است:

ضعف و ناتوانی آمریکا در مساعدت به دسترسی و ارتباط هند به قفقاز و آسیای مرکزی. علاوه بر آن کارشکنی و ممانعت آمریکا از تحقق طرح‌های غیرغربی رقیب. مانند: خط لوله انتقال گاز صلح، و کریدور شمال - جنوب از مسیر ایران.

جنگ قدرت و بازی هژمون‌هایی از قبیل: آمریکا و روسیه و چین برای کسب حوزه نفوذ بیشتر و تصاحب و تسلط انرژی در این منطقه.

مشکلات و مناقشه‌های متنوع و لاینحل بین هند و پاکستان و مناقشات موجود مرزی بین هند و چین.

بی‌ثباتی‌ها و مشکلات سیاسی و امنیتی در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی. مانند: ظهور القاعده و طالبان، تروریسم، جرایم سازمان‌یافته، بنیادگرایی و داعش و اسلام افراطی وابسته به برخی از قدرت‌ها و در آخر مسئله بزرگ تأمین هزینه‌های طرح‌هایی مانند خط لوله انتقال گاز تاپی (پورا احمدی میبیدی و دیگران، ۱۳۹۶).

آمریکا بزرگ‌ترین مقصد صادراتی و یکی از مهم‌ترین منابع تأمین تکنولوژی و انواع فناوری اطلاعاتی و نظامی برای کشور هند است. هند نگران است که با قرارگیری بین ایران و ایالات متحده به خصوص بعد از خروج ایالات متحده از برجام و اعمال تحریم‌های جدید

علیه ایران، ضررهایی ببیند. ولی به‌عنوان عامل و انگیزه مشترک آنچه که باعث بهبود روابط بین دو کشور آمریکا و هندوستان شده است، راهبرد مشترک این دو برای جلوگیری از رشد چین و تسلطش به آسیا، گسترش تسلیحات هسته‌ای و افراط‌گرایی اسلامی و با حمایت پاکستان است. حال با توجه به خروج ناگهانی ایالات متحده از افغانستان و بی‌حاصل ماندن خط لوله تاپی از افغانستان و تهدیدهای موجود، برخلاف ریسک تحریم‌ها علیه ایران و فشارهای آمریکا، به دلیل دارا بودن جغرافیایی مناسب، کشور ایران مسیری جذاب برای پیگیری تأمین منافع برای هند است و این جغرافیا و به‌طور کلی عناصر ژئواکونومیک در روابط ایران و هند، آن قدر قابل توجه و وسوسه‌کننده است که هندوستان تصمیم به این کار گرفته است. از طرف دیگر نیز مؤلفه‌های جمعیت و GDP بالا، نیاز به واردات منابع اولیه، نرخ تولید و صادرات بالا این پتانسیل را به هند می‌دهد که بتواند جای قدرت تولیدی و اقتصادی چین را بگیرد و آن را موازنه کند که این مهم خود مطلوب آمریکا و غرب است.

تحریم و معافیت هند در خصوص ایران نیز همانند کلیت این رابطه بین ایران و هند دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. در مقاطعی معافیت لغو و هند مجبور به لغو و عدم گسترش طرح‌ها شده و در مواقعی نیز موفق به کسب معافیتی از آمریکا گشته است که به میزان مجوزها یا ممانعت‌های آمریکا روابط هند و ایران افزایش یا کاهش به خود دیده است. در سال ۲۰۱۸ دهلی‌نو با موفقیت با واشنگتن لابی کرد تا معافیت‌های خاص از تحریم‌های مربوط به چابهار را به‌خاطر این وعده که مسیر ترانزیتی می‌تواند به افغانستان، یکی از منافع کلیدی امنیتی ایالات متحده در آن زمان، کمک کند، به دست آورد. خط‌آهن در حال ساخت که بندر چابهار را به افغانستان وصل می‌کند نیز از تحریم‌ها مستثنی شده است (JazeeraA, 2024).

تجارت دوجانبه هند و ایران در سال مالی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ بالغ ۲.۳۳ میلیارد دلار بود که رشد ۲۱.۷۶ درصدی را نسبت به سال گذشته ثبت کرد. در این مدت، صادرات هند به ایران ۱.۶۶ میلیارد دلار (رشد ۱۴.۳۴ درصدی سالانه) و واردات هند از ایران ۶۷۲.۱۲ میلیون دلار (رشد ۴۵.۰۵ درصدی سالانه) بوده است. صادرات به ایران در هند از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۴ به طور میانگین ۱۴.۴۷ میلیارد روپیه بوده است که در ماه مارس به بالاترین رقم تاریخ ۴۱.۲۰۰ میلیارد روپیه رسیده است.^۱

^۱. See: https://www.indianembassytehran.gov.in/eoithr_pages/Mjg5

در مجموع با تمام فراز نشیب‌های ذکر شده قابل‌ذکر است که در یک نمای کلی و تصویر بزرگ تجارت و روابط بین ایران و هندوستان افزایش داشته و هر چند موانعی پیش آمد و در مقاطعی تأثیرات منفی بر آن گذاشت؛ ولی در بازه زمانی بزرگ‌تر و در نتیجه افزایش و گسترش قابل‌مشاهده بوده است.

۴. روابط تجاری هندوستان و کشورهای قفقاز

روابط تجاری بین هند و گرجستان در محدوده مضیقی قرار دارد، طوری که صادرات هند به گرجستان عمدتاً گوشت، غلات، ماشین‌آلات الکتریکی و دارو است و صادرات گرجستان به هند نیز عمدتاً کودهای شیمیایی و فلزات است. اما باین‌وجود اخیراً روندهای مهمی در روابط دوجانبه وجود داشته است که نشان‌دهنده بهبودهای آتی در وضعیت امور است.

ارمنستان نیز از لحاظ استراتژیک، علاقه‌مند به تعمیق و گسترش همکاری با هند است، زیرا آذربایجان و پاکستان شراکت نزدیک به طور فزاینده‌ای دارند. نگاهی به جایگاه و دغدغه‌های ژئوپلیتیکی چند سال اخیر ارمنستان، تلاش‌های این کشور برای تقویت روابط نزدیک‌تر نظامی، فناوری و به‌طورکلی دیپلماتیک با هند را روشن‌تر می‌سازد. روابط تجاری طرفین نیز روبه‌افزایش بوده است. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین‌المللی، صادرات ارمنستان به هند در سال ۲۰۲۳ به ۳۴.۵۹ میلیون دلار آمریکا رسید. تجارت بین ارمنستان و هند در سال ۲۰۲۳ بیش از ۷ درصد افزایش یافت و به ۳۸۰ میلیون دلار رسید.

ارمنستان نزدیک‌ترین شریک هند در قفقاز جنوبی و بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های هند در این منطقه است. ارمنستان علناً موضع هند را در مورد حل‌وفصل مسئله کشمیر به‌صورت دوجانبه تأیید می‌کند و از پیشنهاد هند برای کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت می‌کند. باین‌حال این موضع‌گیری‌ها ظاهراً تأثیر مخربی بر روابط هندوستان و جمهوری آذربایجان نداشته است. از آنجاکه بخش قابل‌توجه و مهمی از مسیر کریدور شمال جنوب از باکو است، هندوستان با ظرافت درصدد مدیریت این روابط بوده است. واردات هند از آذربایجان در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۱.۶۶۲ میلیارد دلار آمریکا بوده است، در ماه‌های ژانویه تا دسامبر ۲۰۲۲، نفت خام همچنان عمده‌ترین صادرات آذربایجان به هند بود و ارزش آن ۱.۶۲۵ میلیارد دلار بود که ۹۸ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌داد

روابط هند با آذربایجان عمدتاً مبتنی بر رئالیسم سیاسی است. اگرچه آذربایجان به پاکستان، رقیب ژئوپلیتیکی هند نزدیک است، اما از آنجاکه جایگاه آذربایجان و منطقه قفقاز برای هندی‌ها اولویت‌های ژئواکونومیک دارد در سال‌های اخیر دهلی‌نو سخت تلاش کرده است که از موقعیت جغرافیایی و اقتصادی آذربایجان بهره‌برد. این به‌خوبی در تجارت دوجانبه منعکس شده است که از حدود ۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به حدود ۹۲۲ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. در سال ۲۰۱۹ گردش مالی تجاری حدود ۱.۱ میلیارد دلار بود. علاوه بر این، تا سال ۲۰۲۰، بیش از ۲۰۰ شرکت هندی با بیش از ۱.۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در آذربایجان فعالیت می‌کنند که بسیار بزرگتر از گرجستان یا ارمنستان است. صادرات هند به آذربایجان از ۴۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ به ۲۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت (india,baku, 2023 of Embassy).

پس قابل فهم است که هند هم مانند ایران در رویکردی عمل‌گرایانه خواهان افزایش تنش و امنیتی‌سازی در قفقاز نمی‌باشد و روابط دوجانبه و چندجانبه با هر سه کشور قفقاز را برای کسب حداکثر منافع پیگیری می‌کند و همانند جغرافیای کشور ایران، جغرافیای منطقه قفقاز نیز برای هندوستان بسیار قابل ارزش است تا حداکثر بهره‌وری ژئواکونومیک را داشته باشند. اما در راستای مقابله با طرح‌های توسعه‌طلبانه ترکی که پاکستان هم با آنها همراهی می‌کند، در کنار ایران اقدام به موازنه رقبا و حفظ نظم و شکل موجود می‌کند. اما این اقدامات باظرافت و محاسبات خیلی دقیقی انجام می‌شود تا فقط به‌اندازه نیاز باشد و باعث بی‌ثباتی و بی‌نظمی بیشتر نشود.

اما با توجه به اینکه یک قطب کریدور شمال جنوب کشور روسیه است، بعد از جنگ اوکراین و تحریم‌های شدیدی که علیه روسیه اعمال شد و این موضوع خود چالشی برای این طرح است، این مهم نیاز به بررسی دارد. نفت روسیه، بیش از یک‌سوم از واردات انرژی هند را تشکیل می‌دهد. هند، پس از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه واردات نفت خام روسیه بر سر جنگ اوکراین، به بزرگ‌ترین واردکننده نفت روسیه تبدیل شد. دهلی‌نو، هیچ تحریمی علیه نفت روسیه اعمال نکرده است؛ بنابراین، پالایشگاه‌های هندی از خرید نفت ارزان روسیه بهره‌مند شده‌اند. تحریم‌ها، نفت روسیه را از گریدهای رقیب، سه تا چهار دلار در هر بشکه، ارزان‌تر کرده است. شرکت نفتی دولتی روس نفت در قراردادی که بزرگ‌ترین توافق انرژی میان روسیه و هند است، موافقت کرد حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز نفت خام برای شرکت پالایش نفت خصوصی ریلینس، تأمین کند. این قرارداد ۱۰ ساله، معادل ۵۰ درصد از عرضه جهانی

است و حدود ۱۳ میلیارد دلار در سال بر اساس قیمت فعلی نفت، ارزش دارد و روابط انرژی میان هند و روسیه را که تحت تحریم‌های شدید غربی قرار دارد، تحکیم می‌کند (ایسنا، ۱۴۰۳). این تجارت گسترده انرژی نیز عمده‌تأ از مسیر ایران و قفقاز و یا دریای کاسپین در جوار منطقه قفقاز انجام می‌شود که خود حاکی از اهمیت ژئواکونومیک این راه و مسیر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

کریدور شمال به جنوب از جانب بازیگران و ذی‌نفعان مختلفی امکان تحقق یافته، همان‌طور که از جانب بازیگران دیگری دچار چالش شده است. جمهوری اسلامی ایران برخلاف سیاست خارجی نسبتاً عمل‌گرایانه‌ای که در منطقه قفقاز جنوبی دارد؛ ولی به دلیل برخی موارد که در سیاست خارجی آن وجود دارد از جمله روابط پُرتنش با آمریکا و مسئله تحریم‌ها، در روابطش با هندوستان نیز محدودیت‌هایی ایجاد شده است. با تداوم شرایطی که تاکنون وجود داشته، جمهوری اسلامی ایران و هندوستان احتمالاً به‌سختی بتوانند شرکایی راهبردی برای هم باشند؛ ولی این عوامل محدودکننده به‌وسیله عوامل سازنده‌ای که شرح داده شد تا حدودی و در برخی موارد از جمله کریدور شمال - جنوب، تعدیل می‌شوند. در حقیقت با توجه به منافع مشترک و عناصر ژئواکونومیک، دو کشور در برخی موارد از جمله این پروژه، به گسترش روابط تمایل پیدا می‌کنند. دو کشور مجبورند در میان فشارهای متعارض جانبی زیادی منافع ملی خودشان را در رابطه دوطرفه پیگیری کنند. به نظر می‌رسد که دگرگونی عظیم در راستای تسهیل و گسترش روابط دو کشور و پیشبرد طرح‌هایی از جمله کریدور شمال به جنوب میان آن‌ها در گرو تغییراتی در سیاست خارجی ایران است. برای نیل به این منظور نیز سواً تغییرات در سیاست خارجی ایران، اتخاذ یک سیاست مستقل‌تر از سوی هند به‌گونه‌ای که این کشور از قدرت مانور بیشتری بهره‌مند باشد و بتواند مستقلانه‌تر عمل کند، راه‌گشا است. این مسئله نیز خود بیانگر اثرگذاری عناصر ژئواکونومیک بر سیاست خارجی است.

ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور ایران و منابع سرشار آن دروازه‌های بزرگ به‌سوی منافع گسترده برای هندوستان تلقی می‌شود که از همین رو برخلاف تمام چالش‌های مطرح شده، هندی‌ها را متمایل به توسعه روابط و طرح‌های مشترک با ایران و از طریق ایران می‌کند. در مقابل قدرت تولیدی هند، نیاز گسترده هند به واردات انرژی، سایز اقتصاد و سایر منافع متقابل اقتصادی ایران را نیز ترغیب به توسعه روابط کرده است.

راهبرد مشترک هند و ایران در قفقاز جنوبی با تاکید بر توسعه کریدور شمال جنوب □ ۱۹۵

به گونه‌ای که پس از همکاری در اتصال هند از طریق ایران به افغانستان و آسیای مرکزی دو طرف تصمیم به اتصال مشابهی از پل قفقاز به روسیه و اروپای شمالی گرفتند که برخلاف تمام چالش‌های فراوان از جانب ایالات متحده و بحران‌های قفقاز جنوبی هر چند نه خیلی سریع و مطلوب ولی پیشرفت نسبی داشته است کما اینکه طرفین اصلی (هند، ایران، روسیه) همچنان پیگیر و مایل به ادامه و تکمیل آن هستند. مجموعه این موارد را به صورت جامع می‌توان با رویکرد نظری ژئو اکونومی تبیین نمود، چرا که این بستر نظری باتوجه به خصوصیات کشورها و منافع اقتصادی آن‌ها، در کنار سایر عوامل مختلف دو موضوع بیشترین تأثیر را در کیفیت پیشرفت کریدور شمال جنوب در آینده دارد. نخست تصمیمات ایالات متحده آمریکا در این خصوص باتوجه به تحریم‌های ایران و روسیه و دوم مسیری که معادلات منطقه قفقاز در آینده طی می‌کند که این دو عامل اصلی از چندین عامل فرعی دیگر تأثیرپذیرند. در خصوص عامل دوم قابل ذکر است که باتوجه به ظرفیتی که برای توسعه مسیرهای موازی به جای بخش قفقاز جنوبی و تکمیل نهایی کریدور وجود دارد افق روشنی در این خصوص مشاهده می‌شود.

منابع و مآخذ

فارسی

- موسسه ابرار معاصر، (۱۳۸۴)، **امنیت بین‌الملل (۲)**، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های فراروی امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: ابرار معاصر.
- جانپور، محسن (۱۳۹۶)، **ژئوپلیتیک برای همه**، تهران: نشر انتخاب.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، **ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فلاحی، احسان و وثوقی، سعید (۱۳۹۹)، جایگاه نوین ترکیه در ژئوپلیتیک خطوط لوله انرژی در قفقاز جنوبی و پیامدهای منطقه‌ای برای ایران، **مطالعات راهبردی در سیاستگذاری عمومی**، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۶۰-۸۶.
- پوراحمدی‌مبیدی، حسین؛ قوام، عبدالعلی و خانی‌جوی‌آباد، محمود (۱۳۹۶)، اقتصاد سیاست خارجی هند و راهبردهای پیوند و ارتباط آن با آسیای مرکزی، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۳، شماره ۹۸، ۱-۳۲.
- عطایی، فرهاد؛ شکاری، حسن و عزیز، حمیدرضا (۱۳۹۱)، سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در قفقاز جنوبی، **فصلنامه راهبرد**، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۳، ۳۷-۶۶.

ابراهیمی کیایی، هادی و زارعی، کمال (۱۳۹۹)، تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۹، شماره ۳۲، ۱۲۵-۱۵۴.

نوری، محمدسالار (۱۴۰۲)، جایگاه روسیه و ترکیه در ژئوپلیتیک در حال تغییر قفقاز جنوبی، *فصلنامه تهدید پژوهی*، شماره ۱، ۹-۲۹.

فلاحی، احسان و امید، علی (۱۳۹۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، *تهاجمی یا تدافعی؟ مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۲، ۴۱۷-۴۳۳.

تیشه‌یار، ماندانا و بهرامی، سمیه (۱۳۹۷)، سیاست خارجی عمل‌گرایانه ایران در قفقاز جنوبی در فضای پسا برجام، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۱، ۲۳-۳۸.

نیاکویی، سید امیر و بهرامی‌مقدم، سجاد (۱۳۹۳)، روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره اول، بهار، ۱۶۰-۱۲۳.

کولایی، الهه و امامی‌ایوکی، نبی‌الله (۱۴۰۲)، جایگاه بندر چابهار در تعمیق همکاری ایران و آسیای مرکزی، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۶، شماره ۲، ۲۹۸-۲۷۳.

مهدی‌زاده، مهران؛ پیکرنگار، عبدالحسین؛ طالقانی، محمد و علیزاده، ابراهیم (۱۴۰۲)، تبیین جایگاه ایران در مقایسه با نفوذ گسترده بازیگران جهانی در منطقه راهبردی قفقاز جنوبی، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۱۲، شماره ۱، ۳۶۵-۳۲۵.

فاخرجعفر، زینب و جان‌پرور، محسن و بهرامی‌جاف، ساجد (۱۴۰۲)، بررسی مولفه‌های ژئواکونومیک موثر بر مناسبات ایران و عراق، اولین همایش ملی نقش معماری و شهرسازی بر گردشگری شهرهای مرزی، ارومیه، قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/1870220>.

خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۳/۹/۲۳)، بزرگترین قرارداد خرید نفت هند از روسیه منعقد شد، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1403092316615>.

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۱۴۰۲/۲/۲۷)، *امضای توافقنامه احداث خط راه‌آهن رشت - آستارا بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه*، قابل دسترسی در: <https://president.ir/fa/143951>.

لاتین

- Aras, Bulent (2001) A. "Turkish Foreign Policy towards Iran: Ideology and Foreign Policy in Flux," *Journal of Third World Studies*, Spring.
- Bhat, M. A. (2021). India and Iran Relations under the Shadow of Global Politics: A Brief Historical Overview. *Novus Orbis: Siyaset Bilimi Ve Uluslararası İlişkiler Dergisi*, 143-146,(2)3.
- Blackwill, R., D. & et al. (2011). "The United States and India a Shared Strategic Future" Observed: 20/11/2014 at; <http://www.cfr.org/content/publications/attachments/USIndiajointstudygroupIIGG.pdf>.
- Embassy of India, Baku. (2023) *Economic and Commercial Brief: India-Azerbaijan Bilateral Trade (2022) data*. Government of India, available at: <https://www.indianembassybaku.gov.in/page/economic/>.
- Diverging Views of the U.S. and Europe", in: Eugene Whitlock (ed.), *Iran and its Neighbors: Diverging Views on a Strategic Region*, Berlin: SWP, pp.17-22.
- Hunter, Shireen (2010), *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era Resisting the New International*, Oxford: ABC-CLIO.

- Huntington, S. P, the Clash of Civilizations; Remaking of World Order, **New York Touchstone**,, 1996.
- Jakub Lachert (2021),“ **Nagro-Karabakh as Part of Geopolitical Rivalry**,” Warsawinstitute, Available at: <http://www.warsawinstitute.org>.
- Managing a Delicate Balance**, Center on International Cooperation ,New York Available at: http://cic.nyu.edu/sites/default/files/sidhu_iran_india_final_1.pdf, Accessed on: 11/02/2017.
- Ministry of External Affairs of the Government of India**. (2016). *Annual report 2015–2016*. MEA Publications.
- Ministry of External Affairs of the Government of India**. (2017). *Annual report 2016–2017*. MEA Publications.
- Paul, Amanda. (2015).“Iran’s Policy in the South Caucasus between Pragmatism and Realpolitik”, in: EPC (ed.) , The South Caucasus between Integration and Fragmentation, **European Policy Center** ,pp. 53-60.
- Soltaninejad, M. (2017). Iran–India Relations: The Unfulfilled Strategic Partnership. *India Quarterly*. 21-35 (1) 73. <https://doi.org/10.1177/0928416683054>. Original Work Published.
- Szymański, Adam . (2009) “South Caucasus the Case for Joint Commitment of Turkey and the EU” Polish Institute of International Affairs (PISM), available at: www.ism.pl/index/?id=f1676935F9304b97d59b0738289d2e22. Accessed on: 1 (26/05/2011).
- Tisheyar, M. and Noorafkan, A. (2021). Iran and India on the Silk Road: Challenges and Prospects of Economic Cooperation in Belt & Road Initiative. **Journal of Iran and Central Eurasia Studies**. 129-149(1) 4.